

| | | | |
|---------|----------|---------|--------|
| پایه : | ۵ | موضوع : | اصول ۵ |
| تاریخ : | ۹۲/۰۳/۰۶ | ساعت : | ۱۸ |

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: اصول فقه - از الباب السابع تا اجتماع امر و نهی (جلد ۱ ص ۱۹۳ تا ۳۱۳)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. کدام گزینه می‌تواند صغری برای «مستقلات عقلیه» قرار گیرد؟
 ا. بیان المدركات العقلية فی الافعال الاختيارية ■
 ب. قضية «هذا الفعل واجب» □
 ج. بیان آنّ ما یدرکه العقل هل لابد ان یدرکه الشرع؟ □
 د. کل ما یحسن فعله عقلاً یحسن فعله شرعاً □
- * هل الاتیان بالمأمور به علی وجهه یقتضی الاجزاء أو لا یقتضی؟
 ۲. مراد از «اقتضاء» چیست؟ (مبحث اجزاء)
 ا. اقتضاء شرعی □
 ب. علیّت و لزوم عقلی ■
 ج. امتثال شرعی □
 د. علیت و تأثیر عقلی و شرعی □
۳. به نظر مشهور امامیه، اگر بعد از عمل به اماره‌ای، یقین به خطا بودن آن پیدا شد، مسأله چه حکمی دارد؟
 ا. مجزی است مطلقاً □
 ب. مجزی نیست مطلقاً ■
 ج. در احکام مجزی است ولی در موضوعات مجزی نیست □
 د. فقط در موضوعات مجزی است □
- * کل ما یتوقف علیه الواجب و له وجود مستقل خارج عن وجود الواجب.
 ج ۲۷۰
 ۴. عبارت، تعریف کدام یک از اقسام مقدمه است؟
 ا. مقدمه عقلیه □
 ب. شرط مقدم □
 ج. مقدمه خارجیه ■
 د. مقدمه داخلیة بالمعنی الأعم □

سؤالات تشریحی:

- * انّ المحذوف فی جمیع مواقع «لا» الی هی لنفی الجنس هو کلمة موجود أو ما هو بمعناها غایة الأمر أنّه فی بعض الموارد تقوم القرینة علی عدم ارادة نفی الوجود حقیقةً. ۲۰۰
۱. عبارت را توضیح داده، با توجه به آن معنای جمله «لا سهو لمن کثر علیه السهو» را بنویسید.
 در مواردی که خبر لا نفی جنس محذوف است، آن کلمه محذوف «موجود» می‌باشد، نهایتاً اگر قرینه‌ای داشته باشیم که آن منفی، وجود دارد باید بگوییم منظور از نفی وجود، نفی حقیقی نیست بلکه از آن جایی که موجود این چنینی به منزله معدوم است، آن را نفی کرده‌ایم. پس معنای این جمله هم آن است که سهو کثیر الشک به منزله «لا سهو» قرار داده شده است.
۲. معانی سه‌گانه حسن و قبح و محل نزاع با اشاعره را بیان کنید. ۲۱۹-۲۱۷
۱. حسن و قبح به معنای کمال و نقص. ۲. حسن و قبح به معنای ملائمت و منافرت با نفس. ۳. حسن و قبح به معنای مدح و ذم.
- * انّ العنوان المحکوم علیه باحدهما بما هو فی نفسه و فی حدّ ذاته یكون محکوماً به، لا من جهة اندراجہ تحت عنوان آخر. ۲۲۹
۳. با توجه به متن، معنای حسن و قبح ذاتی را نوشته، آن را بر مثالی تطبیق دهید.
- حسن و قبح ذاتی یعنی فعل محکوم به حسن یا قبیح بودن شود، بدون واسطه چیز دیگری، و به عبارت آخری برای حسن یا قبیح شدن احتیاج نداشته باشد که تحت عنوان دیگری قرار گیرد. مثلاً عدل و ظلم، همیشه و ذاتاً حسن و قبیح و همراه بودن یا نبودن عنوان دیگری، این وصف را در آن دو تغییر نمی‌دهد.

۴. در مواردی مثل: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» امر شارع مولوی است یا ارشادی؟ چرا؟ ۲۳۷

الحق أنه للارشاد حيث يفرض ان حكم العقل كاف لدعوة المكلف الى الفعل الحسن فلا حاجة إلى جعل الداعي من قبيل المولى ثانياً، بل يكون عبثاً، بل هو مستحيل لأنه يكون من باب تحصيل الحاصل.

* ان بحث الاجزاء لا يتصور في قاعدة الاحتياط مطلقاً. ۲۵۴

۵. أ. چرا مبحث اجزاء در اصالة الاحتياط راه ندارد؟ ب. منظور از قيد «مطلقاً» چیست؟

لأن المفروض في الاحتياط هو العمل بما يحقق امتثال التكليف الواقعي فلا يتصور فيه تفويت المصلحة. ب. چه احتياط، احتياط عقلي باشد یا شرعی.

۶. خصوصياتی که واجب غيری را از واجب نفسی جدا می سازد، به اختصار بیان کنید. (دو مورد) ۲۶۸-۲۶۷

۱. إن الواجب الغيری كما لا بعث استقلالی له لا طاعة استقلالية له ۲. لا ثواب على اطاعته و لا عقاب على عصيانه أيا الثواب و العقاب المترتب على ذی المقدمة ۳. انه لا يكون أيا توصلياً ۴. انه تابع لوجوب ذی المقدمة اطلاقاً و اشتراطاً و فعلية و قوة.

۷. «مقدمه مفوته» را با ذکر مثال تعريف کرده، حکم عقل پيرامون آن را بنويسيد. ۲۷۷

المقدمات التي يجب قبل زمان ذیها في الموقتات كوجوب قطع المسافة للحج قبل حلول أيامه، فان تركها موجب لتفويت الواجب في وقتها العقل يحكم بلزوم الاتيان بها.

* استدلال العدلية بأن الحسن و القبح لو كانا لا يثبتان أيا من طريق الشرع، فهما لا يثبتان اصلاً حتى من طريق الشرع. ۲۳۴-۲۳۳

۸. استدلال عدليه بر اثبات حسن و قبح عقلي را طبق نظر مصنف توضیح دهید.

به اعتراف اشاعره اطاعت کردن اوامر و نواهی شارع و معرفت، وجوب دارند، و به عقیده ایشان این وجوب با امر شارع اثبات می گردد، اما اطاعت امر شارع چرا لازم است؟ یا لزومش عقلي است فهو المطلوب، یا شرعی است که باز باید امری داشته باشد و این امر تا بی نهایت تسلسل دارد، بنابر این یا لزوم اطاعت از شارع باید با عقل اثبات گردد و یا اصلاً اثبات نمی شود.

* إنه قد يكون هناك واجب و ضده عبادة و كان الواجب أرجح في نظر الشارع من ضده العبادي. ۳۰۳

۹. أ. با توجه به عبارت، ثمره مسأله ضد را بنويسيد. ب. دو وجه از وجوه ارجحيت واجب را بیان نماييد.

أ. آن که واجبی در کار باشد که ضد خاصش عبادتی است، و انجام آن واجب در نگاه شارع ارجح از انجام عبادت است، که در نتیجه تزامم ایجاد شده و فعل واجب و ترک ضد عبادی رجحان دارد.

ب. أ. أن يكون الضد العبادي مندوباً ۲. ان يكون الضد واجباً و لكنه اقل أهمية عند الشارع ۳. ان يكون الضد واجباً موسعاً و الواجب مضيق

۴. ان يكون الضد واجباً مخيراً و الاول معين.